

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

فرستنده: عثمان حیدری
۱۲ جنوری ۲۰۲۲

امریکا بزرگترین ویرانگر جهانی؛ ۳۳۷ هزار حمله هوایی به کشورها

	عراق و سوریه	افغانستان	یمن	پاکستان، لبنان، لیبی و سومالی
2001	214	17,500		
2002	252	6,500	1	
2003	29,200			
2004	285	86		1 (Pk)
2005	404	176		3 (Pk)
2006	310	2,644		7,002 (Le Pk)
2007	1,708	5,198		9 (Pk, S)
2008	1,075	5,215		40 (Pk, S)
2009	126	4,184	3	5,554 (Pk, Pl)
2010	8	5,126	2	128 (Pk)
2011	4	5,411	13	7,763 (Li Pk, S)
2012		4,083	41	54 (Li, Pk, S)
2013		2,758	22	32 (Li, Pk, S)
2014	6,292*	2,365	20	5,058 (Li, Pl, Pk, S)
2015	28,696*	947	14,191	28 (Li, Pk, S)
2016	30,743*	1,337	14,549	529 (Li, Pk, S)
2017	39,577*	4,361	15,969	301 (Li, Pk, S)
2018	8,713*	7,362	9,746	84 (Li, Pk, S)
2019	4,729*	7,423	3,045	65 (Li, S)
2020	1,188*	1,631	7,622	54 (S)
2021	554*	801	4,428	1,512 (Pl, S)
Total	154, 078*	85,108	69,652	28,217

ارتش ایالات متحده و نیروهای هوایی آن در ۲۰ سال گذشته بیش از ۳۳۷ هزار بمب و راکت بر روی کشورهای دیگر ریخته یا شلیک کرده‌اند که به طور متوسط ۴۶ حمله هوایی در هر روز برای دو دهه است.

به اساس گزارشات از از سایت امریکائی «کامن دریمز (Common Dreams)» در گزارشی که میدیا بنجامین بنیانگذار گروه ضد جنگ کد پینک و نیکلاس دیویس پژوهشگر این گروه منتشر شده، آمده است:

پنتاگون سرانجام نخستین «خلاصه نیروی هوایی» خود را از زمان روی کار آمدن جو بایدن رئیس جمهوری امریکا، منتشر کرد. این گزارش های ماهانه از سال ۲۰۰۷ میلادی برای مستندسازی تعداد بمبها و راکت های پرتاب شده توسط نیروهای هوایی تحت رهبری ایالات متحده در افغانستان، عراق و سوریه از سال ۲۰۰۴ منتشر شده است اما ترمپ رئیس جمهوری سابق امریکا، پس از فبروری ۲۰۲۰ انتشار آنها را متوقف کرد و بر بمباران های مستمر ایالات متحده سرپوش گذاشت.

در طول ۲۰ سال گذشته، همانطور که در جدول نشان داده شده است، نیروهای هوایی ایالات متحده و متحدانش بیش از ۳۳۷ هزار بمب و راکت بر روی سایر کشورها ریخته یا شلیک کرده اند. یعنی به طور متوسط ۴۶ حمله در هر روز برای ۲۰ سال.

این بمباران بی پایان نه تنها برای قربانیانش مرگبار و ویرانگر بوده است، بلکه به طور گسترده به عنوان تضعیف جدی صلح و امنیت بین المللی شناخته شده است.

دولت و تشکیلات سیاسی ایالات متحده به طرز چشمگیری موفق بوده اند که افکار عمومی امریکا را در مورد عواقب وحشتناک این کارزارهای طولانی مدت کشتار جمعی، در تاریکی نگاه دارند و به آنها اجازه می دهند توهم نظامی گری ایالات متحده به عنوان نیروئی برای خیر در جهان را به خاطر شعارهای سیاسی داخلی خود حفظ کنند.

اکنون، حتی در مواجهه با تسلط طالبان در افغانستان، آنها موفقیت خود را در فروش این روایت خلاف واقع به مردم امریکا دو چندان می کنند تا جنگ سرد قدیمی خود با روسیه و چین را دوباره شعله ور سازند و به طور چشمگیری و پیش بینی پذیر، خطر جنگ هسته ای را افزایش می دهند.

داده های جدید «خلاصه نیروی هوایی» نشان می دهد که ایالات متحده از فبروری ۲۰۲۰، سه هزار و ۲۴۶ بمب و راکت دیگر بر روی افغانستان، عراق و سوریه انداخته است (دو هزار و ۶۸ بمب در زمان ترمپ و یک هزار و ۱۷۸ بمب هم در زمان بایدن)

خبر خوب این است که بمباران این ۳ کشور توسط ایالات متحده به میزان قابل توجهی از بیش از ۱۲ هزار بمب و راکتی که در سال ۲۰۱۹ به آنجا شلیک کرد، کاهش یافته است. در واقع، از زمان خروج نیروهای اشغالگر ایالات متحده از افغانستان در ماه اگست، ارتش امریکا رسماً هیچ اقدامی برای حملات هوایی در آنجا انجام نداده است. در همین حال، ۱۳ بمب یا راکت بر روی عراق و سوریه شلیک شد، اگرچه این مانع از حملات گزارش نشده اضافی توسط نیروهای تحت فرمان یا کنترل "سیا" نمی شود.

ترمپ و بایدن رؤسای جمهور سابق و فعلی امریکا، هر دو سزاوار این هستند که بدانند بمباران و اشغال بی پایان نمی تواند در افغانستان پیروز شود. سرعت به دست گرفتن قدرت توسط طالبان در افغانستان پس از خروج امریکا از این کشور، تأیید کرد که چگونه ۲۰ سال اشغال نظامی خصمانه، بمباران هوایی و حمایت از دولت های فاسد، در نهایت فقط به حکومت طالبان کمک کرد.

تصمیم بی رحمانه بایدن برای دنبال کردن ۲۰ سال اشغال استعماری و بمباران هوایی در افغانستان با جنگ محاصره وحشیانه اقتصادی که امریکا به کوبا، ایران، کوریای شمالی و ونزوئلا هم تحمیل کرده است، تنها می تواند بیش از پیش امریکا را در چشم جهان بی اعتبار کند.

هیچ پاسخگوئی در قبال این ۲۰ سال تخریب بی‌معنا، وجود نداشته است. حتی با انتشار «خلاصه نیروی هوایی»، واقعیت زشت بمباران های ایالات متحده و تلفات گسترده ای که وارد می‌کنند، تا حد زیادی از مردم امریکا پنهان مانده است.

افشای پیامدهای حملات هوایی امریکا توسط نیویورک تایمز در دسامبر ۲۰۲۱ که نتیجه یک تحقیق پنج ساله بود، نه تنها به دلیل تلفات غیرنظامی زیاد و دروغ های نظامی که افشاء کرد، خیره کننده بود، بلکه به این دلیل که نشان داد گزارش تحقیقاتی رسانه های امریکائی در این دو دهه جنگ، چقدر کم است.

در جنگ های هوایی صنعتی شده و کنترل از راه دور امریکا، حتی پرسنل نظامی ایالات متحده که مستقیماً و نزدیکترین دخالت را دارند، از تماس با افرادی که زندگی آنها را نابود می‌کنند، دورند و محافظت می‌شوند؛ در حالی که برای اکثر مردم امریکا، گوئی این صدها هزار انفجارهای مرگبار حتی هرگز اتفاق نیفتاده است.

عدم آگاهی عمومی از حملات هوایی امریکا، نتیجه عدم نگرانی از کشتار جمعی که دولت ما به نام واشنگتن مرتکب می شود، نیست. در موارد نادری که متوجه می شویم، مانند حمله مرگبار هواپیماهای بدون سرنشین در کابل در ماه اگست، مردم می خواهند بدانند، چه اتفاقی افتاده است و قویاً از پاسخگو شدن ایالات متحده در قبال مرگ غیرنظامیان حمایت می کنند.

بنابراین ناآگاهی عمومی از ۹۹ درصد حملات هوایی امریکا و پیامدهای آن، ناشی از بی علاقه عمومی نیست، بلکه نتیجه تصمیمات عمدی ارتش، سیاستمداران هر دو حزب و رسانه های شریک آنها برای نگه داشتن افکار عمومی در تاریکی است.

اکنون که خلاصه جدید «نیروی هوایی» (Airpower Summery) «، ارقام پنهان قبلی را برای سال های ۲۰۲۰-۲۱ پر کرده است، در اینجا کامل ترین داده های موجود در مورد ۲۰ سال حملات هوایی مرگبار و مخرب ایالات متحده و متحدان آمده است.»

در ادامه این گزارش افزوده شده است: «در این جدول چندین دسته از حملات هوایی ارتش امریکا همچون حمله با هلیکوپترها نیامده است که به معنای بسیار بیشتر بودن آمار واقعی حملات و تسلیحات شلیک شده علیه کشورهای دیگر است.

ناکامی دولت، سیاستمداران و رسانه های وابسته امریکا در اطلاع رسانی و آگاه سازی صادقانه مردم امریکا در مورد کشتار جمعی نظام مند توسط نیروهای مسلح این کشور، باعث شده است که این کشتار تا حدود ۲۰ سال بدون کوچکترین اشاره و کنترولی ادامه یابد.

همچنین ما را در برابر احیای یک روایت متزلزل و مخدوش جنگ سرد که بروز فاجعه ای بزرگتر را تهدید می کند، آسیب پذیرتر کرده است. در این روایت وارونه، «از طریق خلاف انگاری»، کشوری که در واقع شهرها را با بمباران به ویرانه تبدیل می کند و جنگ ها به راه می اندازد که میلیون ها نفر را می کشد، خود را به عنوان یک نیروی خیرخواه در جهان و سپس کشورهایمانند چین، روسیه و ایران را که به طور قابل درک برای جلوگیری از حمله ایالات متحده به آنها، دستگاه دفاعی خود را تقویت کرده اند، به عنوان تهدیدی برای مردم امریکا و صلح جهانی معرفی می کند.

مذاکرات سطح بالا که در ۱۰ جنوری در ژنیو بین ایالات متحده و روسیه آغاز شد، فرصتی حیاتی و شاید آخرین فرصت برای مهار تشدید جنگ سرد کنونی قبل از این که این فروپاشی روابط شرق و غرب برگشت ناپذیر شود یا وارد درگیری نظامی شود، است.

اگر می‌خواهیم از این لایه های نظامی‌گری بیرون آئیم و از خطر جنگ آخرالزمانی با روسیه یا چین اجتناب کنیم، افکار عمومی امریکا باید روایت خلاف واقع جنگ سرد را که رهبران نظامی و غیرنظامی امریکا برای توجیه سرمایه‌گذاری‌های فزاینده خود در تسلیحات هسته‌ای و ماشین جنگی امریکا می‌فروشد، به نبرد فراخوانند.»